



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

۴شنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۶

مدیر سید محمد هاشمی

سال سوم - شماره ۷۵۱

صفحه ۲۰۱۷

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۴۹۷

روزنامه یومیه

فهرست مذاکرات

- ۱- بقیه صورت مشروح مذاکرات شانزدهمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۲
- ۲- اخبار مجلس ۱۲
- ۳- آگهی های رسمی ۱۳

تسلیم میگویم (صحیح است) و از خداوند متعال مسئلت مینمایم روح پر فتوح آن مرحوم را قرین رحمت و احسان فرماید (انشاء الله - صحیح است) و بیاس احترام آن مرحوم قیام و یکدقیقه سکوت میشود.

(در اینموقع حضار قیام و یک دقیقه سکوت نمودند)

رئیس - آقای اورنگ فرمایشی داشتید راجع بهمین موضوع ؟

اورنگ - اگر اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

اورنگ - بنده توانائی حسارت ندارم ولی

واجباتی درزندگانی ما پیش میآید که انسان باند داشتن توانائی اجبار پیدا میکند، اجبار وجدانی، که

مراضی را بعرض برساند رقاء در بین امم شرایطی دارد که اگر آن شرایط در بین يك اجتماع موجود

شد آن ملت و آن اجتماع را راقی میتوان گفت و اگر آن شرایط موجود نباشد این اسم مصداق پیدا

نمی کند و روا نیست، یکی از شرایط مهم رقاء حفظ کردن و پاس و احترام گذاردن بردمانی است که

خادم آن اجتماعند. اجتماع وقتی بیاد آورد و احترام کرد و بعافظه روزگار سیرد خدمت خادمین خود را

چنین اجتماع استحقاق پیدا میکند که مردم این اجتماع را اجتماع راقیه بنامند. در مجلس ایران

در دو هفته گذشته اتفاقی در این مملکت واقع شد که مجلس اظهار تأثر کرد و حق داشت اظهار تأثر

کند (صحیح است) و باعتقاد شخص من بواسطه کمی مجال نداشتن وقت آن تأثر شایسته ای که در مزاج

افراد بود ظهور پیدا نکرد یعنی هر فردی از افراد

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۶

صورت مشروح مذاکرات روز یکشنبه بیست و دوم شهریور ماه ۱۳۲۶ فهرست مذاکرات:

۱- بیانات آقای رئیس دایر باظهارات تأسف و تسلیم از فوت مرحوم سید احمد بهبهانی و یک دقیقه سکوت.

۲- پیشنهاد جمعی از نمایندگان راجع به ارجاع گزارش ساختمان پنجهزار خانه به کمیسیون دارائی و بودجه.

۳- معرفی هیئت دولت آقای احمد قوام و تقدیم برنامه دولت.

۴- بقیه مذاکرات راجع به انتخابات لاهیجان و نمایندگی آقای ارسنجانی.

مجلس چهل دقیقه پیش از ظهر بعنوان بعد از تنفس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید.

پدر بزرگوار خود در خدمت اسلام و مشروطیت و آزادی ایران صرف نمود. (صحیح است) مرحوم بهبهانی نه دوره بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی از طرف اهالی پایتخت انتخاب و در تمام این ادوار بوظائف اجتماعی و نمایندگی و خدمت بملت اشتغال داشت (صحیح است) متأسفانه در اواخر دوره گذشته بواسطه کسالت مزاج از کارهای اجتماعی کناره گیری نمود و بالاخره پس از یکسال و نیم بیماری دیروز دهنوت حق را اجابت گفت. این ضایعه عظمی را با کمال تأسف و تأثر از طرف عموم نمایندگان معترم و شخص خود بخانواده جلیل بهبهانی بخصوص حضرت آیه الله آقای بهبهانی و آقای آقا میر سید علی بهبهانی نماینده معترم و فرزندان آن مرحوم

۱- بیانات آقای رئیس دایر باظهار تأسف و تسلیم از فوت مرحوم میر سید احمد بهبهانی و یک دقیقه سکوت

رئیس - جلسه قبل بعنوان تنفس ختم شد صورت جلسه امروز نداریم.

بطوریکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مستحض شده است دیروز آقای میر سید احمد بهبهانی نماینده

سابق تهران، دوست و همکار دیرین ما در اثر کسالت متمادی دارفانی را بدرود گفت و قلوب عموم

دوستان خود را جریحه دار ساخت (صحیح است)

مرحوم میر سید احمد بهبهانی فرزند مرحوم مقفور آیه الله آقا سید عبدالله بهبهانی و برادر حضرت

آیه الله آقای آقا میر سید محمد عمر خود را مانند

• بقیه مذاکرات مشروح شانزدهمین جلسه از دوره پانزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس ۱

چه امر موجهی است . مسئله اقامت آلمانها هم در ایران يك مسئله مبتذل و پیش یا افتاده ای بود . همه میدانستند هزار و چهار صد یانصد آلمانی در ایران هستند ، متخصصند و دولت اطلاع داده بود به متفقین که اگر اینها مغل آسایش شما هستند ما اینها را بگیریم و از مرزهای ایران بیرون کنیم . مستر ایدن ، در خبرهای خارجی خواندم که از صمیمیت و بیطرفی ایران اظهار تشکر کرده بود (صحیح است) اینها تمام مال قبل از سوم شهریور است (دکتر معظمی - در آرشبو وزارت خارجه هم هست) صبح سوم شهریور یعنی چند روز بعد از امضای منشور آتلانتیک ، منشوری که مرحوم مستر روزولت و مستر چرچیل امضاء کردند و گفتند که ما هیچوجه منالوجه معترض آزادی دیگران نمی شویم بعد از چند روز که از امضای آن منشور گذشت يك روز صبح ملت ایران چشمش را باز کرد و دید که بمملکتش حمله کرده اند . آقای عامری باز همان موقع از طرف شاه فقید مأمور شد ، بود بانمانده های سیاسی دو دولت مذاکره کند اینها شاید تا دو روز ، سه روز بعد از آنهم نمیگفتند ما چه می خواهیم . آنها حمله کردند بما ، يك بهانه بسیار ساده ای از ما گرفتند ، مرزهای ما را شکستند ، بیطرفی ما را نقض کردند آمدند مملکت ما را اشغال کردند بعد از اینکه این قضیه پیش آمد در نهاد تمام جوان های ایران ، نه تنها جوانها ، پیر مرد های ایران آن حسی کدر هر بشر زنده ای هست بوجود آمد (صحیح است) آن حس کینه و نفرت شدید نسبت بکسانی که مرزهای ما را شکسته بودند (صحیح است) اینها وقتی وارد خاک ایران شدند آقای ذوالفقاری توقع داشتند که ما کل و گلاب ببریم جلوی آنها (محمد ذوالفقاری - ایشان همچو توفی راندا شدند) آخر فرمودند که من بر علیه متفقین چیز مینوشتم (ناصر ذوالفقاری تلوتنان را نشان میدادید) اینها وقتی که وارد ایران شدند تمام شهرهای ما را اشغال کردند . قواشان در قسمت عمده مملکت ما متمرکز شد . شروع کردند بخرید خواربار و آذوقه در داخل مملکت ، تمام اسلحه های موجود ما را بیضا بردند بدون اینکه نظر دولت ایران را در آنوقت استفسار بکنند (صحیح است) حتی وسیله شدند که پادشاه ما از مملکت ما رفت و اوضاهی برای ما درست کردند که ۶ سال مبتلا بودیم (صحیح است) در آنوقت مرزهای ما کاملاً گشوده بود ، اختیار مملکت ما با خود ما نبود متفقین کاری میخواستند در ایران میکردند بنده در جلسه قبل عرض کردم که وضع سر بازارهای متفقین در شهر تهران چه بود همه آقایان هم ناظرش بودید و همه ما متأسف بودیم از این جریان ، چند ماه بعد از اشغال ایران یگروز مستر کیسی وزیرخاور میانه دولت انگلیس با ایران آمد و بوسیله رادیوی تهران نقلی کرد مقدمات نطق را من کار ندارم ، يك جمله گفت ، گفت جوانهای ایران بوظیفه خودشان آشنا نیستند ، اینعرف آقای مستر کیسی مثل بمب توی منفر جوانهای ایران صدا کرد که مملکت ما را آمدند اشغال کردند حالا معلم اخلاق هم شده اند برای ما بنده در آنوقت اولین مقاله ای که بنظر آقای ذوالفقاری بر علیه متفقین نوشتم فرستادم برای روزنامه نبرد آنوقت و چاپ شد و بر اثر چاپ همان

بنفع ایران تمام نمیشود برای اینکه شما آتاک میکنید ، مطالبی که من نوشته بودم و آنها آتاک خودشان تصور میکردند این مقاله بود من نوشته بودم یعنی دلیل عمده حمله متفقین بایران رضایت انگلیسها بود اینرا تاریخ بعد قضاوت خواهد کرد که جریان چه بوده من نوشته بودم انگلیسها نه تنها خودشان آمده اند بلکه مهمانان بهم برای ما با خودشان آوردند من نوشته بودم کفالباً انگلیسها مأمورین سیاسی که به تهران فرستاده بودند تا آن موقع هم مأمورین وزارت مستعمراتشان بود یکی از آنها خود سرریدر بولارد بود که الان در ایران نیست و تمام مأموریتش در حدود هرستان بود و اشخاصی که در مستعمرات خدمت کرده اند اینها يك روح خشنی دارند و وقتی که بیایند داخل يك مملکتی مثل ایران بشوند که مستقل است آنها نمیتوانند آن حسن تقوق و برتری طبیعی خودشان را تسکین بدهند و با مردم ایران مثل يك دولت مستقل رفتار کنند همان طور که در سایر ممالکی که تحت استیلای انگلستان بود کرد . اند این جا هم میخواهند همان معامله را بکنند و این مطلب بضرر دولت انگلستان تمام میشود . من در آن مقالات سیاسی که ۱۲ ساله هم اینها است که اگر آقایان میل داشته باشند در این جا خواهم خوانده نوشته بودند که ایران از نقطه نظر سیاسی اهمیتش بمراتب زیادتر است از جاهای دیگر . در يك همچو موقع حساسی بهتر است که دولت انگلستان بجای يك وزیر مختاری که دارد که در وزارت مستعمرات بوده بهتر است که يك سفیر کبیر سیاسی به ایران بفرستند وضع ایرا را از دست ندهند آقایان نظرشان هست که در مدت ۲۰ سال سلطنت پهلوی ما از شوروی اطلاعی نداشتیم حتی يك خاطرات بسیار بدی هم در اثر تبلیغات ما داشتیم . از اینها وقتی که مرزهای ایران شکسته شد اهالی شمال ایران فرار میکردند و میآمدند بطرف جنوب و خیال میکردند که روسها اموال مردم را چو میکنند این طور تبلیغ شده بود ولی بعد عکسش را دیدند وقتی که اینها آمدند بایران در آن چند ماهه اول اقامتشان بقدری خوش رفتاری کردند با مردم تا بوش نظر مردم برگشت من نوشته بودم ، بانگلیسها که شما اگر در مقابل خوش رفتاری اینها چشمتان را هم بگذارید و اجازه بدهید که سر بازارهای هندستان در کنار خیابان های تهران با تفنگ ایرانها را بکشند و باخشونت رفتار بکنند این بضرر آینده روابط ایران وانگلیس است این مسائل و این مطالب بود که من آنوقت نوشته بودم در تمام حرایه تهران چاپ شده بود از جمله یادم هست که يك مقاله بسیار شدیدی در روزنامه اطلاعات بود در همان موقعی که چند نفر سر بازارهای هندستان را با تفنگ کشته بودند من نوشته بودم که یگروز ... (ما امروز باستقلال هندوستان که مستقل شده احترام می گذاریم قبل از آنهم که استقلال نداشتند آزوی استقلال برایشان می کردیم ولی سابق تاریخی ما داریم با این ممالک اعراف خودمان) ما نمیتوانیم اینرا تحمل بکنیم که یگروز پادشاهان ما میرفتند به هندوستان آنجا را فتح میکردند

و حالا امروز سر بازارهای هندی باسم قوای انگلیسی بیایند در پایتخت ایران با تفنگ انگلیسی بخوانند از ما انتقام بکشند و يك ایرانی که از پشت جاده بخواند خارج بشود با تفنگ بزندنش و با آن طرز بد و کثیف و موهن با مارفتار بکنند ، ایرانها نمیتوانند تحمل بکنند ، این مسائل بود که من در آن مقاله اشتباهات سیاسی نوشته بودم خیلی هم سرو صدا کرد آقای سرریدر بولارد هم در آن موقع شکایت کرد بوزارت خارجه که اینها اهانت کرده اند به ما ، اتفاقاً یکی از همان موارد اهانت که آنها خیال می کردند این بود که من نوشته بودم انگلستان خوبست در تهران سفیر کبیر داشته باشد بعد از هشت ماه خود ایشان شدند سفیر کبیر و چون به محکه مراجعه شده بود من به محکه گفتم مثل این است که این اهانت را خودشان پذیرفته اند چون بعد از هشت ماه خودشان شدند سفیر کبیر از این قبیل مسائل بود من حالا عرض نمیکنم . درد سر آقایان نمیدهم تمام آن کسانی که در آن موقع آن جرایت را میخواندند یادشان هست که آن مقالات چه تأثیری در روحیه مردم داشت باز در همان موقعی که آقای ذوالفقاری فرمودند من تبلیغات علیه متفقین میکردم بنفع شاید آلمان يك مقاله دیگری هم نوشته بودم که دو سه تکه اش را اجازه میخوام بخوانم در همان روز نامه نبرد و بهمان امضای مستعمراتی که فرمودند يك روز زبان وزارت امور خارجه انگلستان یعنی تایمز لندن نوشت « تمام ایران با ستغوان يك رزمنان انگلیسی نیارزد ، تزار روسیه هم به سررز بزرگانان اظهار داشت که يك مشت مردم فقیر که آتک فساد اخلاق آنها را فرا گرفته شایستگی ندارند که میان مرزهای دو دولت بزرگ امپراطوری روسیه و انگلستان واقع شوند تعجب میکنم از سیاست مداران اعلیحضرت پادشاه انگلستان که چرا راضی نمیشوند این نعش را از میان بردارند » در تعقیب این اظهارات لرد نیوتن در مجلس انگلستان اظهار داشت « امروز عقیده همه بر آن شده که دول شرق نمیتوانند جلوی نفوذ تدریجی يك دولت اروپائی را (مقصود روسیه است) بگیرند پس خواهی نخواهی روسها رو بجنوب میآیند و ما هیچ سدی از خود شرقیها نمیتوانیم ایجاد کنیم که نفوذ ناپذیر باشد چاره ای جز این نیست که خود بزودی پیشدستی کرده و بعضی خود مالک شویم و هر قدر بتوانیم دیوار همسایگی را با روس جلوتر ببریم » با این ترتیب معاهده شوم ۱۹۰۷ بسته شد و ایران بدو قسمت تقسیم شد يك روز جوانان بسوالهوس ترک در اسلامبول اجاق ترک ساخته و نغمه الحاق آذر با ایجان ، همدان و قفقاز را ساز کرده و نژاد اصغر ساکن شمال غربی ایران بخیال ایجاد امپراطوری توران افتاد ، هر بهای ... نیکویم این را ، هر بهای جنوب غربی ایران چند سال پیش خوزستان راهرستان میانمیدند و ادعای مالکیت آنجا را داشتند ، رفتاری انگلیسی علاوه بر تمام آنها میخواستند کردستان ایران را مجزی کرده (این مال جنگ بین الملل اول است) با کردستان عثمانی توام و يك دولت مستقل کرد تشکیل دهند شاید افغانهای هزیز هم از تصرف خراسان بدشان نیامد راجع برود هیرمند هم بنده آنوقت اطلاع نداشتم امروز باز از نو تمام این

نعمات ساز شده منتها چون محیط آزاد نیست رقبای زبردست زندانه زمزمه میکنند گاهی به نعل گاهی به میخ میزنند میخواهند مقدمات کار را فراهم سازند این است مخاطراتی که سر بار گرسنگی و فقر و فاقه و مضامع استعمار یون حیات ملت ما را تهدید میکنند و فرمول تنازع بقاء و مرگ ضعیف که سرفصل تمام سیاست های دنیا قرار گرفته است بما مجال آن را نمیدهند که با فراغت خیال پشت کرسی لیده فلیان بلور را زیر لب بگذاریم و از فتوحات روس و انگلیس و آلمان و ایتالیا سخن بگوئیم ایرانی باید بداند تا وقتی که سرازه در دست او نیست شادی برفتوحات دیگران بی معنی است . (بنده بودم که میخواستم ایران را تسلیم شوروی بکنم ؟) پیشرفت یکی و مغلوبیت طرف متخاصم دیگر در جنگ کنونی اروپا سرسوزنی بجان ایران فایده نخواهد داشت در دنیای امروز تا توان را قابل اعتنا نمی شمارند و حقوق ضعیف را رعایت نمیکنند احترام عاجز را نه دوست نگاه میدارد نه دشمن ، جزای ضعیف توسری خوردن ، گرسنه ماندن و از دست دادن آنچه مالک آنست میباشد در جهان امروز ملتی احترام دارد که پشت او توپ و سرنیزه آماده کار باشد والا کسی بریش سفید يك ملت شه هزار ساله احترام نمیگذارد و در اننگ فرصت طعمه چرب و لذیذ ایران در معده يك ملت زونگتر و چابکتر هضم خواهد شد اگر کسی هست که خیال میکند همانطوریکه تا کنون ایران از تمام بلیات بیرون آمده این بار بدون جنبش ما بازم سالم خواهد ماند بداند که دو سیاست متضاد استعماری روس و انگلیس در شمال و جنوب ایران تا کنون مملکت ما را میان زمین و آسمان نگاه میداشت ولی جنگ کنونی معلوم نیست چه ارمغانی برای ما بیاورد ... بعد بازمطالبی دارد اما مخصوصاً من يك نکته را میخوام بخوانم « اگر ز مهاداران مادل بدولتهای دیگر خوش کرده اند باید بدانند که چند روز بعد از تدوین قانون اساسی جهان ، جهان دمکراسی یعنی منشور آتلانتیک مزه اش را ایران چشید دولتی که آزادی تمام ملل را تضمین کرده بود چون منافع خودش اقتضا داشت حرمت يك ملت کهنسال را که در سال میلیونها لیره باو باج میداد نگاه نداشت اگر هم در میان توده عوام و رجال فهمیده ما باز هم کسانی پیدا میشوند که دل به پیشرفت ارتش تالی خوش کرده اند . (آن موقع دولت ژنرالک دولت آلمان بود) و تجدید حیات ایران را در فتح آنها میدانند باید متذکر باشند که هیچ عاقلی تصور نخواهد کرد که دیگران ارتش خود را فرستاده باز بختن خون ملت خود در خاک ماخانه را از بیگانه پاک کرده صاحب خانه خواب آلوده و بستری را بیدار کنند و خانه را باو بسپارند و خدا حافظی کرده و بروند هموطنان عزیز من وقتی ماضی شدیم دوستان ماجانشین دشمنان میشوند و از جنگال گرگ نجاتان داده خود شکرامان میکنند پس ما باید اول به پیشرفت خودمان بپردازیم و بعد در مسائل مربوط بدیگران بحث کنیم این مقاله بود که من آن موقع نوشتم و طرفداری میکردم از آلمانها ، توجه فرمودید ؟ (خنده نمایندگان) بنده این مقالات اشتباهات سیاسی کنوشتم در روزنامه نبرد نیخوام بخوانم چون بعضی چیزهایش ممکن است

میمانند و هیچ حقی هم برای ما قائل نیستند برای این که یک دولتی وقتی مرزهای یک دولت دیگر را خصمانه بشکند و با قهر و غلبه وارد شود آن عمل را با آن ملت میبکند که یک ظالمی با مغلوبش میکند سیاستمداران آن وقت ما تمام مساعیشان را بکار بردند که حداقل ضرر را قبول بکنند یعنی از متفقین خواهش کردند ما که با شما جنک نداشتیم یک شب خوابیده بودیم صبح اعلان جنک دادید و شهرهای بی دفاع ما را بمباران کردید و اشغال کردید، سربازهای ما را کشتید، هر چه ما داشتیم بردید حالا هم آمدهاید توی مملکت ما، ما که نظر خصوصاً و جنگی با شما نداریم، دشمنی با شما نداریم پس بیاید یک قرار دادی با هم ببندیم مرحوم فروغی برای بستن این قرار داد بدترین و رکیکترین فحشها را خورد مرحوم فروغی وقتی که میخواست بمیرد تمام کسانی که با آن مرحوم آشنا بودند میدانند دق کرد تنها مرض نبود که او را کشت از بسکه فحش با او دادند دق کرد در صورتی که با اعتقاد من اگر آن روز فروغی این کار را نکرده بود امروز معلوم نبود تکلیف این مملکت ما چیست؟ (صحیح است) در میان مقالاتی که آن روز شدیدترین اهانت ها را میکردند نویسنده هایش فروغی و فحش میدادند بفروغی، من یک مقاله ای نوشتم و در آنجا نوشته بودم هر ایرانی با شرفی باید امروز دولت را تقویت بکند از متفقین بخواهد که ما این قرار داد را ببندیم نه اینکه این قرارداد بسته نشود بلکه ما باید در میدانهای جنک شرکت کنیم، دلیلی که من آورده بودم این بود که ما در جریان جنک تلفات خواهیم داد، منتهی مرگ دو نوع است، یکی مرگ سیاه است و ممکن است مردم یا از گرسنگی بمیرند وزیر آوار برون و برروز سیاه بنشینند و یا اینکه در میدان جنک برون مردانه کشته بشوند و آخر جنک هم ما حسابی با متفقین داشته باشیم در آن موقع هم یک عده از نویسندگان بسیار محترم که حالا هم توی جراید مینویسند فحشهای بسیار زیادی و عجیب و غریبی بمن دادند گفتند که من پول گرفتیم از انگلیس ها، این همان موقع بود که من این مقاله را نوشته بودم و آقا فرمودند که شما دفاع کرده بودید از انگلیس ها و یک عده هم نوشته بودند که حمله کردید بنفع محور و یک عده ای هم نوشته بودند که من چون دفاع از قرارداد کردم بنا بر این تو که سفارت انگلیس بودم بلبه یک اشکالی فقط کار من داشته آنرا من تصدیق میکنم در این جریان شش ساله که من وارد جریان سیاسی بودم همیشه برخلاف جریان آب شنا میکردم افکار عمومی را توجه نمیکردم و این افکار عمومی هر طرف بوده من سعی نمیکردم آنطرف بروم، پیش خودم فکر میکردم که راه صحیح کدام است و غالباً مخالف افکار عمومی هم من میرفتم بمیدان فحش هم میشنیدم و مسخره ام میکردند و بعد از مدتی معلوم میشد که حرف من صحیح بوده است یکی از آن مسائل این مورد است در هر حال قرار داد ژانویه ۱۹۴۲ اتحاد ایران و انگلیس و شوروی بسته شد، مدتی از این قضیه گذشت سر و صدای اتحاد رسمی ایران هم با دول متفق مسکوت ماند بعد از اینکه آن مقالات را من در روزنامه نبرد

نوشته بودم که همه اش هست، متفقین به سبب حمله کردند بنده در تعقیب مقاله ای که یکسال پیش نوشته بودم یک مقاله ای تهیه کرده بودم خواستم در روزنامه نبرد آن وقت چاپ شود رفیق عزیز من که حالا اینجا نیست و نویسنده روزنامه نبرد بود گفت این مخالف احساسات عمومی است و نمیشود چاپ کرد گفت مصالحت مملکت با رعایت احساسات عمومی دولت است بایستی مصالحت مملکت را رعایت کردیم ممکن است ما الان فحش هم بخوریم بعد هم ممکن است در تاریخ ایران بماند، حاضر نشدند که این مقاله را چاپ بکنند من دادم روزنامه مرد امروز وقتی این مقاله را دادم بروزنامه مرد - انتشار این طور مطالب معذالک که ترسید از نقطه نظر احساسات عمومی مردم این مقاله را چاپ بکنند و بالايش نوشت مقالات وارده و بمن گفت که اگر کسی اهانت و اعتراض کرد بایستی جوابش را بدهی من هم با همان امضای مستعار خودم این مقاله را نوشتم جنک بین المللی فردا خانه خواهد بود این تاریخش را هم عرض کنم حضورتان که مرداد ۱۳۲۲ است، جنک بین المللی فردا خانه خواهد یافت کنگره صلح با حضور نمایندگان ملی که در این جنک پیروز شده اند تشکیل خواهند شد، مللی که اسلحه بر دوش گرفته بر علیه محور جنگیده اند مردمی که از راه تهیه مواد اولیه و تسهیل وسایل پیروزی متفقین کمک کرده و بدول محور رسماً اعلام جنک نموده اند فاتحانه در گرد یکدیگر نشسته علی رغم حرمانهای کذبانه انداختگی از خود خواهند گرفت از میان تمام ملل و دول عالم که درین پیروزی سهم و شریکند یعنی نیروی ملی خود را تحت اختیار و استفاده متفقین قرار داده اند تنها ملت ایران است که با نگاههای تردید آمیز آینه تاریخ و مبهم خود را مینگرد و از کنگره صلح و تصمیماتی که راجع باومیگیرند متعجبند، تنها ملت ایران است که صرفاً فدا کاری و از خود گذشتگی او در راه پیروزی متفقین سبب شکست محور خواهد شد یعنی با استفاده از شرایط حیاتی این کشور و از منابع سرشار این آب و خاک است که روسیه نتوانست در مقابل سیل اسلحه و مهمات ارتش نیرومند آلمان مقاومت کند و دولت انگلستان را از خطر تصرف نیروی آلمان برهاند، سبب تاویل ترکیه به متفقین شود بهر حال موقعیت جغرافیائی و فداکاری ملت ایران است که جریان جنک دنیا را به نفع متفقین تغییر دهد و نیروی صنعتی و نظامی آلمان را دچار شکست نمود ملت ایران در طی دوسال اخیر بزرگترین مصائبی را که یک ملت میتوانست در راه پیروزی دوستان خود متحمل شود تحمل کرد ملت ایران با دادن تمام ثروت و آذوقه خود با تحمل قراردادهای مالی سنگین و پرداخت مبالغ هنگفتی پول که بتصدیق دوستان دوش ما قدرت تحمل آنرا ندارد با تحمل گرسنگی و برهنگی و دادن تمام وسایل ارتباطی اهم از ملی یا دولتی خود بزرگترین خدمتی را که میتوانست در راه پیروزی به متفقین کرد. مقدماتی نوشته ام نمیخواهم سر آقایان را درد بیاورم نوشته ام و این مقاله که ما بزرگترین صدمه ها را کسب کرده ایم، هستی مان را داریم از دست میدهم مقدار زیادی از مردم تلف شدند تمام کارگرهای ما دارند در پشت جبهه

و آن این بود که معلوم شد نه تنها بنده متلون بوده بلکه دولت و مجلس ایران هم متلون بودند برای اینکه لزومی نداشت که اعلان جنک بمجور بدیم مجلسی که ناظر سوم شهریور بوده و مجلسی که دید دول متفق آنروزها بدون جهت یک روز صبح وارد مملکت شدند لازم اش این بود که دولت یا مجلس کار ملاضرالمدین را میکردند دوتا پاشان را توی یک کفش میکردند میگفتند شما که آمدید حالا هر کاری دلانان میخواهد بکنید بعد هم هر روز که میخواهد بیرون بروید ما هیچ نه باشما همکاری میکنیم و نه اینکه در مسائل جنک با شما متفق شدیم این تلون را هم ایران و هیئت دولت ایران تصدیق کرد بعد از آنکه جنک تمام شد تمام آقایان شاهد و ناظر بودند که این تلون سیاسی چقدر به نفع مملکت ما تمام شد و چطور و صوما را در عداد ملل متفق قرارداد، ما توانستیم در تمام مجامع بین المللی شرکت کنیم و حقوق خودمان را حفظ کنیم این یکی دیگر از موارد تلون سیاسی بنده بود من اینها را تمام باختصار میگویم که وقت آقایان گرفته نشود، عرض کنم یک مدتی از این جریان گذشت این راهم بار بنده خاطر نشان آقایان میکنم که همان موقع آقای سهیلی بوسیله مدیر روزنامه نبرد بنده پیغام داد که بنده از ایشان ملاقات کنم و از بنده اظهار تشکر بکنند که کار دولت را سهلش کردم و خدمتی به مملکت خودم کردم معلوم شد آقای سهیلی هم این تلون را در آن موقع تصدیق کرده بودند شخصاً علاوه اردولت و مجلس، بعد بنده روز نامه دارا را گرفتم روزنامه دارا را که بنده خواستم منتشر کنم مصادف شد با تشکیل مجلس چهاردهم آقای ذوالفقاری فرمودند که بنده بایشه روی آشنا بودم و در دواطلاق مجاور باهم کار میکردیم کاملاً صحیح است پیشه روی نماینده آذربایجان شد و در مجلس شورای ملی ایران آمد بنده هم او را نمی شناختم یک روز یک قطعه نامه ای را از طرف روزنامه های طهران آوردند که بنده هم امضاء کنم چون امضای اشخاص معتبر می هم باش بود بنده هم امضاء کردم این قطعه نامه را حالا میخواهم آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی، در این موقع مهم که وحدت کامل بین ملت و مجلس و مطبوعات از لحاظ همکاری در تأمین منافعهای استقلالی نهایت لزوم را دارد خاطر شریف آقایان را مستحضر میدارد که تصویب اعتبارنامه آقای پیشه روی نماینده محبوب آذربایجان و مدیر دانشمند روزنامه آذربایجان که در مبارزه با ارتجاع سهم بسیار بزرگی دارند مورد توجه عموم علاقه مندان با اصلاحات مملکتی است. مدیران جراید و نویسندگان که در ذیل این ورقه امضاء نموده اند از نمایندگان صالح و وطن پرست خواستارند که با تصویب اعتبار نامه ایشان علاقمندی خود را به تمام مطبوعات و آزادی انبیا فرمایند. مدیر روزنامه نوبهار ملک الشعراء بهار، مدیر روزنامه اقدام خلیلی، مدیر روزنامه اطلاعات عباس مسعودی، مدیر روزنامه خورشید ایران بهاء الدین یازار آرد، مدیر روزنامه مرد امروز محمد مسعود، مدیر روزنامه باختر حسین قاطمی، مدیر روزنامه داد صمدی نوری، مدیر روزنامه اصفهان امیر قلی امینی، مدیر روزنامه کاروان جلالی نائینی،

مدیر روزنامه اختر محمد علی خلیلی، مدیر روزنامه صبا ابوالقاسم پاینده، مدیر روزنامه مشعل صالحی، مدیر روزنامه نبرد خسرو اقبال، سردبیر ایران ما یور والی، مدیر روزنامه میهن پرستان علی جلالی، مدیر روزنامه ستاره احمد ملکی، مدیر روزنامه فردا نیک انجام، مدیر روزنامه طهران منصور احمد دهقان، مدیر روزنامه صدای ایران صادق سرمد، مدیر روزنامه مردم دکتر رادمش، مدیر روزنامه عصر اقتصاد کتر کیهان، مدیر روزنامه بردان رهسپار، مدیر روزنامه کار ابو الفضل لسانی، مدیر روزنامه رهبر ایرج اسکندری، مدیر روزنامه کانون مطبعی، مدیر روزنامه دماوند فتاحی، مدیر روزنامه حیات جاوید فلسفی، مدیر روزنامه آزاد افراسیاب آزاد، مدیر روزنامه شهباز نامور، مدیر روزنامه طوفان شرق طوفانباغی، مدیر روزنامه آزادگان عزت پور، مدیر روزنامه مصلحت احمد لشکرانی، مدیر روزنامه زندگی آموزگار، مدیر روزنامه ششیر امروز خلیلی، مدیر روزنامه نسیم - شمال ساعی، مدیر روزنامه سعادت بشر هوشمند، مدیر روزنامه رزم دکتر کشاورز، مدیر خواندنیها امیرانی، مدیر روزنامه کبیر دکتر شکیبی، مدیر روزنامه حلاج، مدیر روزنامه راستی یروین کتابادی، مدیر روزنامه ندای عدالت مهدی، مدیر روزنامه یویو عصار، مدیر داخلی ایران حمید رحمان، مدیر روزنامه سرگذشت مصطفی نائینی، مدیر روزنامه نوروز ایران علی نوری، مدیر روزنامه نبرد امروز انجوی، مدیر روزنامه ندای حقیقت دکتر وزیر، مدیر روزنامه کیهان فرامرزی، مدیر روزنامه دارا ارسنجانی، مدیر روزنامه یغما حبیبی، مدیر روزنامه بهرام عبدالرحمن فرامرزی، مدیر روزنامه نجات ایران فروزش، مدیر روزنامه ظفر روستا، مدیر روزنامه پرورش مدنی، مدیر روزنامه امروز و فردا شهینزاده، مدیر روز نامه فرمان شاهنده. وقتی که این اعلامیه را آوردند پیش بنده که آن را امضاء کنم بنده پیشه روی را نمی شناختم آن شخص که این اعلامیه را آورد پیش من گفت که این یک آزادیخواهی است، پیشه روی با سواد است و مدتی هم در زندان بوده است او از تبریز وکیل شده است و میخواهند آنرا از مجلس بیرونش کنند بایک دسته بندیهای، تمام روزنامه های طهران امضاء کرده اند تو هم امضاء کن، عرض کنم که وقتی مدیران روزنامه های طهران و تمام روزنامه نویس های مملکت مان ک سابقه بیست سال، سی سال هم دارند و مسلماً آقای عباس مسعودی هم کار پیشه روی نبوده اینطور نیست آقای ذوالفقاری؟ آقای دهقان هم نبوده، آقای فرامرزی هم نبوده است و وقتیکه بنده دیدم این آقایان زیر ورقه را امضاء کرده اند گفتم عجب آدم خوبی است این اعلامیه را دادند بنده الان هم در آرشو مجلس هست، در همان جریان دفتر روزنامه بنده در لاله زار بود یک آیارتمان داشتم آقایان نمیدانند که روزنامه های ایران، برخلاف روزنامه اطلاعات که دستگامی دارد و رتاتیب دارد، مجبوز است که جای بزرگی داشته باشد روزنامه های ایران بیکی دو تا اطلاق احتیاج دارند. بنده هم یک آیارتمانی اجازه کرده بودم و احتیاج بیکی دو تا اطلاق هم بیشتر نداشتم این آیارتمان پنج شش تا اطلاق داشت عرض کنم که یک روزی یک نفر آمد و گفت که این آقای پیشه روی که آن قطعه نامه را برایش امضاء

کردید جا ندارد و شما هم که جایز یاد دارید بیاید یک جانی باو بدهد که روزنامه اشرا منتشر بکند بنده هم از خدا خواستم گفتم یک چنین شخص دانشمندی بیاید این جا در جوران دوتا اطلاق ایشان دادم آنهم آمد گرفت نشست و روزنامه آذربایجان را منتشر کرد اینرا برای آقایان عرض کنم بعد که پیشه روی رفت آذربایجان و گفت زبان رسمی باید زبان ترکی باشد من خنده ام گرفت، گفتم بدون تردید پیشه روی انشائیکه در فارسی دارد در ترکی ندارد برای اینکه ابوقدری سلیس و قشنگ چیز مینوشت روزنامه اش هست ولی دلیل ندارد که اگر او یک خیانت سیاسی به مملکت کرده منکر فضلش هم بشویم ... (برزین - آذربایجان اصلاً انشاء ترکی ندارد) در هر حال عرضم این است که آقای پیشه روی این جوری با بنده آشنا شد و آشنائی ما در این حدود بود که ایشان روزنامه آذربایجان را مینوشتند و بنده هم روزنامه دارا را منتشر میکردم و غالب اوقات هم اختلاف نظر علمی بین ما بود آقایانیکه بین ما بودند از اختلاف نظرهای بین من و ایشان اطلاع دارند او گله میکرد که این آدم مرموز است، این آدم فلان است و بیچار است و مرتجع است وقتی هم یک مقاله ای در روزنامه آذربایجان علیه من نوشت یادم نبود جلسه دیگر از تند نویسی مجلس میکرم میآورم خدمت آقایان میخواهم (بعضی از نمایندگان - بقیه را بگذارید جلسه دیگر) ... اجازه بفرمایید این مطالب را بیک جانی برسانم

رئیس - چند تا پیشنهاد رسیده است برای ختم جلسه. بیانات شما باین زودیها تمام میشود؟

ارسنجانی - اجازه بفرمایید، این یک قسمت را تمام کنم بعد جلسه را ختم بفرمایید آقای پیشه روی یک چیز دیگری هم در روزنامه اش نوشت که باز اسباب تعجب من شد چون معروف بود که پیشه روی بامؤسسن حزب توده رفیق و همکار است موقعی که رضا شاه فقید در ژانسانبورک بود وفات کرد روزنامه ها نظریات مختلفی راجع به مرحوم رضاشاه نوشتند از جمله روزنامه آذربایجان تسلیت گفته بود باعلیحضرت پادشاه فعلی ما وطنی یک مقاله بسیار مؤثری به و خوب رضا شاه را از نقطه نظر خودش تشریح کرده بود و آخرش هم تسلیت گفته بود این رویه سبب شد که بعضی اشخاص تندرو در آن روز حمله کردند و اعتراض کردند بنده پیشه روی و آنها میگفتند که تو مرتجع شده ای آنهم جواب داد که خیر این مسئله ربطی بقضایای دیگر ندارد، این را نمیدانم که حالا کدامیک از آقایان پادشان باغد ولی در کلبسیون روزنامه آذربایجان بنده باز هنوز روزنامه را منتشر نمی کردم ولی در صدد انتشارش بودم چون نه مانع اول کشید از تاریخی که تقاضای امتیاز روزنامه را کردم تا وقتی که آنرا بمن دادند در جریان این مسائل هم یک عده از نویسندگان که در روزنامه آذربایجان چیز مینوشتند در روزنامه بنده هم چیز مینوشتند و باز یک اظهاراتی آقای ناصر ذوالفقاری کردند و یک عده هم در بیرون به بنده گفتند که آقای فریدون ابراهیمی دادستان آذربایجان با تو رفیق بوده، بنده گفتم نه تنها با بنده رفیق بوده همکلاسی من بوده آقای دکتر معظلی هم معلمش بودند آقای دکتر متین دفتری هم معلمش بودند، عرض کنم که فریدون ابراهیمی هم در روزنامه

روز یکشنبه ۲۲/۶/۳۲۶۶ کمیسیون دارائی منتخبه از مجلس با حضور ۷ نفر از اعضاء خود تشکیل جلسه داده و هیئت رئیسه خود را از اینقرار انتخاب نمود .

توضیح آنکه چون عده اعضاء منتخبه برای کمیسیون دارائی فقط ۱۱ نفر بوده است کمیسیون با حضور ۷ نفر اکثریت پیدا کرده است .

هیئت رئیسه : آقای رفیع رئیس
« عباس مسعودی نایب رئیس
« اردلان مخیر
« اسدی منشی
رئیس اداره کمیسیونها

بتاریخ سه شنبه ۲۴/۶/۳۲۶۶ دو ساعت قبل از ظهر کمیسیون خارجه بریاست آقای دکتر شفق تشکیل و نسبت بامور جاریه مذاکرات مفصل بعمل آمد به پیشنهاد آقایان دکتر شفق و دکتر معظمی قرار شد نسبت بموضوعات زیر از وزارت امور خارجه پروندههای مربوطه توضیحات لازم خواسته شود .

- ۱- راجع باب هیرمند .
- ۲- راجع بشایعات قاچاق در کشورهای خارجه .
- ۳- پست کامل کلبه افرادی که از صندوق در ممالک خارجه اعاشه میکنند .

رئیس اداره کمیسیونها و شعب

پیش از جلسه دیروز شعبه ۴ بریاست آقای رفیع تشکیل و پرونده انتخابات اردبیل مطرح و قرار شد بسو کمیسیون مر کب از آقایان - موسوی - ضیاء - ابراهیمی - اردلان ارجاع شده و نتیجه را بشعبه اطلاع تا تصمیم قطعی اتخاذ شود .

اداره کمیسیونها و شعب

چاپخانه مجلس

نامه رهبر آروز و بمن اعتراض کرد در روابط نمی دانه متفقین ۰۰۰۰۰۰ (بعضی از نمایندگان - بقیه اش برای روز بعد باشد) ... بلی اجازه می فرمائید باشد برای فردا .

رئیس - پیشنهادی رسیده که جلسه فردا باشد تنفس هم نیست ختم میشود . پیشنهاد قرائت میشود . پیشنهاد میکنم فردا جلسه تشکیل و بقیه دفاع آقای ارسنجانی استماع و روز سه شنبه مجلس وارد بحث در برنامه دولت گردد . (دهقان)

دهقان - بنده پیشنهاد کردم که فردا جلسه تشکیل شود برای استماع دفاع آقای ارسنجانی روز سه شنبه هم برای برنامه دولت ولی آقای دکتر اعتبار پیشنهاد کرده اند که این ترتیب سه شنبه و سه شنبه موکول شود اگر پیش نهاد آقای دکتر اعتبار قبول بشود

رئیس - اگر، نمیشود آقا ، با فردا کسی مخالف نیست؟ (نمایندگان - خیر) با ساعت ۱۰ صبح کسی مخالف نیست . فردا ساعت ۱۰ صبح جلسه خواهد بود تنفس داده میشود .

(یکساعت و چهل پنج دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم گردید .)

اخبار مجلس

روز شنبه ۲۱ شهریور ۲۶ سه ساعت قبل از ظهر شعبه پنجم مجلس شورای ملی بریاست آقای ملک مدنی تشکیل پرونده انتخابات یزد مطرح سه نفر از آقایان شاکیان که دعوت شده بودند در شعبه حضور پیدا کرده اظهارات خود را نموده و اعتراضات خودشانرا کتباً بشعبه تسلیم نمودند و قرار شد تا جلسه آتی آقایان منتخبین جواب اعتراضات آقایان را بدهند و سپس تصمیم قطعی اتخاذ شود .

من کار نمیکرد و این را نمیدانم که از آستارا از کجا وقتی آمده بود طهران برای اینکه تحصیلش را ادامه بدهد، وضعیت زندگیش خوب نبود با آقای مسعودی متوسل شده بود آقا مسعودی ایشان را آوردند روزنامه اطلاعات کمکش کردند اینهم مدرسه حقوق میآمد بنده هم در مدرسه حقوق با ایشان آشنا شدم ایشان در روزنامه اطلاعات مقاله مینوشت و در روزنامه بنده هم مقاله مینوشت البته از بنده پول نمی گرفت و در سایر جراید هم مقاله مینوشت و من یک مردانگی از آقای محمدعلی مسعودی دیدم ، که هیچ لازم نمیدانم اینجا بگویم و هیچ وقت هم فراموش نمیکنم راجع بفریدون ابراهیمی ، در هر حال این فریدون ابراهیمی با آن آقای پیشه وری هم ارتباط داشت و این فریدون ابراهیمی هم عضو حزب توده بود و این را یادم رفت عرض کنم که سابقه حزبی من هم اولش در حزب پیکار بود این آقای اعظم زنگنه هم عضویت داشت بنده دیدم یک عده از جوانهای بسیار وطن پرست و پاک مملکت در آن جا بودند روز نامه نبرد اول منتشر میشد و بعد هم روزنامه ایران ما رفیق بنده آقای جهانگیر تفضلی مدیرش بود منتشر میکرد یکمده بودیم با هم همکاری میکردیم آن جا احساسات بسیار تند و آتشینی هم داشتیم بین حزب پیکار و حزب توده هم در آن موقع جنک و جدال پیدا شد و خود من دو سه مقاله در آن موقع بر علیه حزب توده نوشته بودم (صحیح است) وقتی که شاهزاده ها ادعای حکومتی میکنند اسباب اشکال میشود چرا دارید مسلک را خراب میکنید فرض این است که این مقالات هم بین ما رد و بدل میشد و مبارزه عملی هم بین ما بود تا این جریانات منجر شد باینکه خود من ۰۰۰۰۰ بعد البته حزب پیکار بدلالی از هم پاشید و حزب توده هم تقویت شده بود و من در حزب توده ایران نه تنها عضو نبودم بلکه شماره اول روزنامه داریا که منتشر شد ، در روزنامه رهبر انتقاد شد از روزنامه داریا تحت عنوان روش تحریک آمیز سر مقاله ای نوشت روز